



پیام باستان‌شناس

شاپا چاپی: ۲۰۰۸-۴۲۸۵

شاپا الکترونیکی: ۹۸۸۶-۲۹۸۰

دوره ۱۴، شماره ۲۶، بهار و تابستان ۱۴۰۱



بررسی و تحلیل باستان‌شناختی آثار و استقرارهای دوره اشکانی حوضه آبریز قزل اوزن

در محدوده شهرستان ایجرود

رضا آخوندی^۱، آراز نجفی^۲، فرزاد مافی^۲

DOI: 10.30495/peb.2022.699727

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۰

چکیده

شهرستان ایجرود واقع در استان زنجان به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، دارای ویژگی‌هایی است که شناخت کم و کیف محوطه‌های باستانی آن در دوره اشکانی، می‌تواند ما را در درک بهتر تحولات فرهنگی این دوره، در غرب و تا حدی شمال غربی کشور یاری دهد. این پژوهش در قالب یک بررسی میدانی و به منظور روشن نمودن وضعیت، تغییرات و تطورات فرهنگی منطقه در دوره اشکانی انجام پذیرفت. در این راستا، بررسی حوزه جغرافیایی دهستان گلابر و بخش شمال غربی رودخانه ایجرود در دهستان ایجرود پایین، طی دو فصل انجام شد. نتیجه این بررسی‌ها، شناسایی جمعا ۱۰۰ محوطه باستانی (۶۸ محوطه در دهستان گلابر و ۳۲ محوطه در بخش شمال غربی دهستان ایجرود پایین) بود که از این بین، ۳۵ محوطه دارای آثار اشکانی است. مطالعه گونه‌شناسی سفال اشکانی منطقه و نیز درک و دریافت کلی الگوی استقرار محوطه‌های بررسی در این دوره، از نتایج مهم این پژوهش است که بر اساس آن‌ها مشخص گردید در دوره مذکور استقرارها نسبت به دوره قبل (هخامنشی) از نظر تعداد، افزایش چشمگیری داشته و حتی استقرارهای دوره بعد (ساسانی) به اندازه دوره اشکانی نیست. این نشانگر تغییرات جمعیتی یا تغییر الگوی پراکنش استقرارها نسبت به دوره قبل است. همچنین، مشخص شد که بیشتر استقرارهای منطقه، روستاهای کوچک و تعداد کمی روستاهای بزرگ هستند و شواهدی از مراکز شهری شناسایی نشد. به نظر می‌رسد، فرهنگ مادی منطقه در دوره اشکانی، ضمن دارا بودن برخی ویژگی‌های بومی - محلی که آن را از سایر مناطق غرب و شمال غربی کشور تا حدی متمایز می‌کند، نهایتاً بخشی از گستره فرهنگی غرب و شمال غرب کشور است.

واژگان کلیدی: دوره اشکانی، ایجرود، گلابر، سفال اشکانی.

* **استاد:** آخوندی، رضا، نجفی، آراز، مافی، فرزاد (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل باستان‌شناختی آثار و استقرارهای دوره اشکانی حوضه آبریز قزل اوزن در محدوده شهرستان ایجرود. *پیام باستان‌شناس*، ۱۴ (۲۶)، ۵۱-۷۹.

^۱ دانش‌آموخته مقطع دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران. نویسنده مسئول: rezaakhoundi@gmail.com

^۲ استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، ایران.

مقدمه

درجه و ۴۹ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی نصف‌النهار گرینویچ و ۳۶ درجه و ۰۵ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه عرض شمالی خط استوا قرار گرفته است. ارتفاع شهر زرین‌آباد از سطح دریا حدود ۱۷۴۹ متر می‌باشد (فرهنگ آبادی‌های شهرستان ایجرود، ص ۶).

ناهمواری‌های شهرستان ایجرود

به طور طبیعی، ناهمواری‌های این شهرستان، به سه بخش تقسیم می‌شود، ابتدا قسمت‌های هموار که ۴۸٪ از آبادی‌های دهستان گلابر و ۷٪ از آبادی‌های دهستان ایجرود پایین در این بخش‌ها واقع هستند. سپس قسمت‌های کوهستانی-تپه‌ای که ۲۷٪ از آبادی‌های دهستان گلابر و ۹۳٪ از آبادی‌های دهستان ایجرود پایین در این بخش‌ها واقع شده، و در آخر قسمت‌های دره‌ای که ۱۵٪ از آبادی‌های دهستان گلابر در این بخش‌ها واقع هستند. لازم به توضیح است که قسمت‌های هموار دهستان گلابر عموماً ارتفاعی بالاتر از ۱۸۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد دارند (آمارنامه جمعیتی سال ۱۳۸۵، سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان زنجان).

جغرافیای تاریخی منطقه

در متون تاریخی قابل دسترس و بررسی شده نگارنده (متون جغرافی نویسان، مورخان، سیاحان و ...) تنها در یک مورد به ایجرود (جرود) اشاره شده است و در سایر موارد به مناطق هم‌جوار این شهرستان، همچون ابهر، صائین قلعه، سلطانیه، زنجان، انگوران، خدابنده، سهرورد، سجاس و شیز اشاره مستقیم دارند که در ادامه به مواردی که در این پژوهش قابل استناد هستند اشاره می‌نمایم.

سارگن در شرح هشتمین اردو کشی خود در سال ۷۱۴ ق.م. از شهری به نام اپاتره یاد می‌کند که به نظر می‌آید

حاشیه رودخانه قزل اوزن و حوضه آبریز آن، به دلیل شرایط اقلیمی و پتانسیل بالای جذب استقرار انسانی و به عنوان باریکه ارتباطی مناطق فرهنگی فلات مرکزی و شمال غرب و غرب کشور، از دیرباز یکی از مناطق مهم شکل‌گیری جوامع انسانی و فرهنگی در نجد ایران بوده است. در این بین، شهرستان ایجرود در بخش جنوب غربی استان زنجان و به عنوان یکی از مهمترین سرشاخه‌های حوضه آبریز قزل اوزن به واسطه دارا بودن شرایط خاص زیست محیطی، توانمندی و پتانسیل بالقوه، جهت شکل‌گیری و توسعه نسبی جوامع انسانی از ویژگی خاصی برخوردار است و به همین دلیل، آمار و شواهدی از این استقرارگاه‌های باستانی و تاریخی در قالب تپه‌ها و محوطه‌های باستانی در گوشه و کنار این منطقه قابل مشاهده است. بررسی‌های میدانی، حکایت از آن دارد که بیشترین شواهد استقرار تاریخی منطقه، مربوط به دوره اشکانی است^۱. این پژوهش در پی آن است تا با تحلیل باستان‌شناختی مواد فرهنگی به دست آمده از سطح محوطه‌ها (عموماً گونه‌شناسی سفال اشکانی منطقه) و تحلیل ماهیت و کیفیت استقرارگاه‌ها و فاکتورهای جذب محیطی آن‌ها، به ارائه الگوی استقرار منطقه در دوره اشکانی پرداخته و نیز مطالعات اقلیمی و بررسی تأثیر اقلیم بر استقرارهای دوران تاریخی را فراهم آورد، تا بتوان نمایی کلی از وضعیت و ماهیت تحولات و تطورات فرهنگی-تاریخی منطقه در دوره اشکانی را ترسیم ساخت.

موقعیت و محدوده شهرستان ایجرود

شهرستان ایجرود یکی از شهرستان‌های هفت گانه استان زنجان است که حد قسمت جنوب غربی استان واقع شده و مرکز آن شهر زرین‌آباد است. شهرستان ایجرود در ۴۷

۱ برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: مافی و صراف (۱۳۸۵)؛

خسروزاده عالی (۱۳۸۳)

و همچنین مسیرهای ابهر و سلطانیه به خدابنده از طریق سجاس به زرین آباد (مرکز ایجرود) و از آنجا به انگوران و نهایتاً به تخت سلیمان و جنوب آذربایجان منتهی می‌گردد (نقشه ۱).

با توجه به مطالب مذکور در مبحث جغرافیای تاریخی منطقه و با عنایت به این که مسیرهای عبور و مرور امروز در امتداد گذرگاه‌های طبیعی قرار دارند، می‌توان چنین استنباط کرد که منطقه ایجرود از دیرباز، محل رفت و آمد و گذرگاهی مهم در دوران باستان بوده است.

محدوده بررسی

محدوده جغرافیایی این پژوهش عبارت است از سرچشمه‌های شمال شرقی ایجرود که از دامنه‌های جنوبی ارتفاعات معجزات سرچشمه می‌گیرند تا محل اتصال ایجرود، و رود گلابر در جنوب که از نظر تقسیمات سیاسی کشوری، کل دهستان گلابر واقع در بخش مرکزی شهرستان ایجرود را در بر می‌گیرد که در فصل اول مورد بررسی قرار گرفت. و همچنین جنوب و جنوب غرب ارتفاعات قلتوق و جنوب ارتفاعات قلعه جوق از شمال تا رودخانه ایجرود در جنوب که حدود غربی آن رودخانه قزل‌اوزن که از نظر تقسیمات سیاسی کشوری بخش شمال غربی دهستان ایجرود پایین واقع در بخش حلب شهرستان ایجرود است که محدوده بررسی شده در فصل دوم است. این بخش از دهستان ایجرود پایین، از شرق به دهستان سعیدآباد و گلابر، از شمال به شهرستان ماهنشان، از غرب به شهرستان ماهنشان و استان کردستان، و از جنوب به رودخانه ایجرود محدود می‌شود. و دهستان گلابر که از شمال به دهستان‌های بوغداکندی و قلتوق شهرستان زنجان، از شرق به دهستان ایجرود بالا، از جنوب شرقی به بخش سجاس شهرستان خدابنده و از جنوب به دهستان

شهر ابهر امروزی باشد. در همین گزارش از قزوین با نام کت پتی و بیجار با نام ابدادانه یاد می‌شود (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۰۲).

در باختر سلطانیه، سهرورد و سجاس دو شهرچه نزدیک به هم، تا زمان حمدالله مستوفی، یعنی قرن هشتم، اندک آبادی داشته‌اند، ولی اکنون هر دو خرابند. ابن حوقل در قرن چهارم گوید: سهرورد، اغلب ساکنینش کرد هستند و به اندازه شهر زور است، شهری مستحکم سر راه همدان در جنوب زنجان. سجاس یا سیجاس نزدیک سهرورد واقع بوده و حمداله مستوفی گوید: در اول دو شهر بوده و در فترت مغول خراب شد. اکنون از هر دو به قدر دیهی مانده و چند دهی دیگر و نواحی جرود و انجرود (که امروز ایجرود و انگوران نامیده می‌شوند) از توابع آن است، بر جنوبی سلطانیه بر یک روزه راه. سجاس بر پنج فرسخی مغرب سلطانیه واقع بود، و صد و چند قریه در حوالی آن وجود داشت که در همه آن‌ها، مغول‌ها مسکن گزیده بودند. در کوه مجاور آن شهر، قبر ارغون‌خان قرار داشت که باین^۱ مغول‌ها آن را کروغ، یعنی عبادتگاه پاک ساخته بودند و الیجای خاتون دختر او در آنجا خانقاهی برای درویش بنا کرده بود (لسترینج، ۱۳۸۳: ۲۴۱)

حمدالله مستوفی در شرح شهر شیز و آتشکده آذرگشنسب آورده که شیز، مهم ترین شهرهای ولایت انجرود است و آن را جزء انجرود (انگوران) در غرب ایجرود دانسته است (لسترینج، ۱۳۸۳: ۲۴۲).

امروزه، شهرستان ایجرود در منطقه جنوب استان زنجان، چهار راه شمال به جنوب و شرق به غرب است که از شمال، زنجان را پس از گذر از گردنه پاپائی در ارتفاعات معجزات در شمال شهرستان و عبور از رودخانه قزل‌اوزن در غرب ایجرود به کردستان و شهر بیجار متصل می‌نماید.

۱ باین = جمع بای = ثروتمند، غنی، مالدار. (فرهنگ فارسی معین، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، چاپ هفتم)

۲-۱- تپه‌هایی که بستری طبیعی دارند و در رأس یا بخش‌هایی از آن‌ها، بقایای یک یا چند لایه استقراری دیده می‌شود.

۲-۲- محوطه‌های سطحی که معمولاً در دامنه و کوهپایه ارتفاعات قرار دارند و ارتفاع چندانی نسبت به زمین‌های اطراف خود ندارند و عموماً دارای آثار و بقایای استقرار تک‌دوره‌ای هستند. بسیاری از این محوطه‌ها به دلیل نداشتن ارتفاع زیاد، امروزه تبدیل به زمین‌های کشاورزی گردیده‌اند.

۲-۱- محوطه‌های سطحی یا همان بقایای حضور و یا احتمالاً استقرارهای انسانی واقع در دامنه‌ها، کوهپایه‌ها و شیب تپه ماهورها.

۲-۲- گورستان‌ها که شکل و فرم گورها، تابع شیوه‌های خاص تدفین در زمان شکل‌گیری این گورستان‌ها است.

۳- بناهایی که بقایای قلعه‌های تاریخی هستند.

لازم به ذکر است که در محدوده بررسی، خصوصاً در اطراف روستای گلابر، فضاهای غارمانند و پناهگاه‌های صخره‌ای زیادی مشاهده شد که طی بررسی به عمل آمده توسط اعضاء هیئت، هیچ‌گونه مصنوع یا اثری از حضور بشر از دوران گذشته در این فضاها به دست نیامد.

بررسی و تحلیل باستان‌شناختی محوطه‌های اشکانی

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، ۳۵ محوطه باستانی با دارا بودن مواد فرهنگی، خصوصاً سفالینه‌های مربوط به دوره اشکانی، پس از دوره اسلامی، بیشترین تراکم استقرارهای تمام ادوار را به خود اختصاص داده‌اند. از ۳۵ محوطه مذکور که دارای آثار دوره اشکانی می‌باشند (تصویر ۱)، تعداد ۱۷ محوطه تک دوره‌ای و صرفاً مربوط به دوره اشکانی است، و در ۱۸ محوطه دیگر علاوه بر دوره اشکانی آثاری از ادوار دیگر چون برنز، آهن، ماد، ساسانی و اسلامی به دست آمده است. در بین محوطه‌های دوره اشکانی منطقه، ۱۴ تپه، ۴ قلعه و ۱۷ محوطه سطحی وجود

آق‌بلاغ بخش سهرورد شهرستان خدابنده و از غرب به بخش حلب و دهستان سعیدآباد شهرستان ایجرود محدود می‌شود (نقشه ۲).

بررسی باستان‌شناختی شهرستان ایجرود

با توجه به اهداف و سیاست‌های این پژوهش، بررسی پیمایشی با شیوه مکان‌نگاری و طیف پهناگر (Extensive) برای پروژه در نظر گرفته شد و در طی دو فصل دهستان گلابر و بخش شمال غربی دهستان ایجرود پایین بررسی گردید (میرفتاح و آخوندی، ۱۳۸۶؛ الهی و آخوندی، ۱۳۸۷)

به طور کلی، در طی این دو فصل ۱۰۰ محوطه باستانی شناسایی شد که دارای آثاری از دوره نوسنگی تا اسلامی بودند. در این بین ۳ محوطه دارای آثاری از دوره نوسنگی، ۴ محوطه دوره مس‌سنگ، ۵ محوطه عصر مفرغ، ۱۲ محوطه عصر آهن I و II، ۱۸ محوطه دوره ماد، ۳ محوطه دوره هخامنشی، ۱۱ محوطه دوره ساسانی و همچنین ۴۱ محوطه دارای آثاری از دوره اسلامی می‌باشند. از بین محوطه‌های شناسایی شده برای تعداد ۳۵ محوطه نیز دوره اشکانی پیشنهاد گردید. ضمن این که برخی از محوطه‌های شناسایی شده، آثاری از چند دوره را در خود دارند.

همچنین، لازم به ذکر است که مکان‌ها و محوطه‌هایی که دارای آثار دوره اشکانی هستند، عمدتاً به سه گروه تقسیم می‌شوند.

۱- تپه‌های باستانی که معمولاً در ابعاد و اندازه‌های مختلف به ارتفاع بیش از یک متر دیده می‌شوند. اغلب تپه‌ها در نزدیکی منابع دائمی آب، مثل رودخانه‌ها و جویبارها و چشمه‌ها قرار گرفته‌اند. و از لحاظ لایه‌های استقراری به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱-۱- تپه‌های مصنوعی که ضخامت لایه‌های استقراری آن‌ها، گاه به چند متر می‌رسد.

منابع آب منطقه، از جمله بر سطح تراس رودخانه ایجرود و رودهای فرعی (سجاس رود، بیوک چای و گلابر)، در کناره نهرها (آق‌بولاغ‌دره، اوغول‌بیگ، آسیابر، شاه‌بولاغ، سنقر و چولرخ)، آبراهه‌ها (کهریز، قنبرلک و سراب)، و چشمه‌ها (جمعمه، تاق‌گولی، تک‌گولی، دیناوارا، جداقیه، یان‌بولاغ و قره‌گول) است. این منابع آبی در نزدیکی محوطه‌هایی در جریانند که بر سطح تپه ماهورها، دشت‌های هموار مرتفع و کم وسعت بین ارتفاعات، دامنه کوه‌های منفرد، و همچنین رأس کوه‌های منفرد شکل گرفته‌اند که محوطه‌های مورد اخیرالذکر به نام‌های قزله قلعه‌سی، آق‌قلعه، قیزلار قلعه‌سی و اوچ‌قیزیل، ساختاری دفاعی دارند و قلعه هستند.

نحوه قرارگیری محوطه‌ها به این صورت است که در کنار رودخانه اصلی ایجرود ۳ محوطه، در کنار رودخانه‌های فرعی ۵ محوطه، نهرها ۸ محوطه، آبراهه‌ها ۸ محوطه و نهایتاً در کنار یا پیرامون چشمه‌ها ۱۱ محوطه شکل یافته‌اند. با نگاهی گذرا به چگونگی قرارگیری این محوطه‌ها در دوران مختلف حکومت اشکانیان و چستی ماهیت محوطه‌ها در کنار منابع آبی مذکور، به این نتیجه رهنمون می‌شویم که وضعیت شکل‌گیری محوطه‌ها در مقاطع زمانی مختلف از الگوی خاصی پیروی می‌نموده است. در کنار رودخانه اصلی ایجرود، ۲ تپه استقرار وجود دارد که یکی از آن‌ها مربوط به دوران متقدم و میانه و دیگری تنها مربوط به دوره میانه است، و یک محوطه گورستانی که به دوران متأخر اشکانی تعلق دارد. در حاشیه مسیر رودخانه‌های فرعی اشاره شده در بالا، ۲ محوطه سطحی، ۲ قلعه و ۱ تپه وجود دارد که تمام آن‌ها، دارای آثار دوره متأخر بوده و تنها یکی از قلاع که در آن آثار دوران متأخر وجود دارد، دارای آثار دوره میانی اشکانی نیز هست. نهرهای محدوده بررسی در حاشیه خود دارای ۵ محوطه سطحی و ۳ تپه هستند که در این بین ۴ محوطه سطحی و ۳ تپه مربوط به دوران متأخر اشکانی، و تنها ۱ محوطه

دارد که از بین محوطه‌های سطحی، ۴ محوطه با توجه به شواهد باستان-شناختی از قبیل استخوان‌های انسانی و بقایای سازه‌های گورها، به صورت قطعی گورستان هستند (تصویر ۲)، و نیز با توجه به سفال‌های پراکنده در سطح محوطه‌ها و معیار تقسیم بندی دوره‌ها که بر اساس گونه شناسی سفال محدوده بررسی است، برای ۳ مورد از آن‌ها، دوره متقدم و میانه اشکانی، و ۱ مورد دوران میانه و متأخر اشکانی پیشنهاد می‌گردد. قابل توجه این که در ۳ گورستان دوران متقدم و میانه مذکور، علاوه بر سفال‌های منقوش بادبانی، دالبری و مثلثی، می‌توان تخته سنگ‌های شیست به کار رفته در معماری قبور را به عنوان مشترکات گورستان‌های منطقه، در این بخش از دوران اشکانی به حساب آورد (تصویر ۳).

بلندترین محوطه از سطح آب‌های آزاد، قلعه قزله قلعه‌سی با ارتفاع ۱۹۸۸ متر، واقع در جنوب دهستان گلابر، و کم ارتفاع‌ترین محوطه، تپه اوزون آبا (۳) با ارتفاع ۱۴۸۱ متر از سطح آب‌های آزاد، واقع در مرکز شرق بخش حلب و بر روی تراس شمالی رودخانه ایجرود گسترده است. میانگین ارتفاع محوطه‌های دوران اشکانی در دهستان گلابر از سطح آب‌های آزاد، ۱۸۰۰ متر، و در محدوده بررسی شده بخش حلب ۱۶۰۳ متر است. همچنین مرتفع‌ترین محوطه از سطح زمین‌های اطراف خود، مربوط می‌شود به قلعه اوچ‌قیزیل با ۶۰ متر ارتفاع و پس از آن قلاع قزله قلعه‌سی، قیزلار قلعه‌سی و آق‌قلعه به ترتیب با بلندی ۵۰ متر، ۴۰ متر و ۳۰ متر رتبه‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند.

نقش ویژگی‌های خاص اقلیمی و زیست‌محیطی در چگونگی پراکنش محوطه‌های باستانی ایجرود

با بررسی استقرارهای دوره اشکانی شهرستان ایجرود، و در مورد نقش ویژگی‌های خاص اقلیمی و زیست‌محیطی، در چگونگی پراکنش استقرارها، باید گفت که پراکنش محوطه‌های اشکانی واقع در محدوده بررسی، در کنار

اما، در دوران متأخر اشکانی، با توجه به نحوه پراکنش گستره‌ها، به نظر می‌رسد علاوه بر رودهای فرعی و آبراهه‌ها، جوامع ساکن در این منطقه توجه ویژه‌ای به نهرها و چشمه‌ها داشته‌اند. چرا که از ۲۷ محوطه دوران متأخر اشکانی منطقه، ۱۸ محوطه استقرار در کناره این منابع آبی شکل گرفته‌اند. از این تعداد، ۹ محوطه سطحی، ۷ تپه و ۲ قلعه می‌باشند.

فاکتور دیگر جذب محیطی محدوده بررسی، مناسب بودن خاک منطقه جهت فعالیت کشاورزی است. بدون هیچ گونه آنالیزی با توجه به اشتغال اکثر ساکنین کنونی منطقه به امر کشاورزی و دامپروری می‌توان دریافت که خاک اغلب مناطق محدوده بررسی جهت پرداختن به کشاورزی مناسب بوده و مراتع گسترده شهرستان ایجرود، حداقل شش ماه از سال پوشیده از گیاهان خودرو و مناسب برای چریدن احشام می‌باشد.

ضمن این که با توجه به مشاهدات عینی نگارنده در طول زمان بررسی از سفالینه‌های معاصر تولید شده در روستاهای خوئین، قره‌دره، کهریز سیاه منصور، پاشاجای، قمچقای و... و اطلاعاتی که بومیان منطقه در اختیار هیئت بررسی قرار دادند، تا ۴۰-۵۰ سال اخیر اکثر ظروف سفالی مورد نیاز منطقه، در روستاهای مذکور با مصالح (خاک رس) بوم‌آورد ساخته و تأمین می‌شده که این امر خود دلیلی بر مناسب بودن خاک منطقه جهت تولید سفال است (تصویر ۴).

سفال محدوده بررسی

در میان گروه سفال‌ها، تفاوت‌های منطقه‌ای وجود دارد که این تفاوت‌ها معنی‌دار هستند (Keall & Keall, 1981: 63). هر یک از مناطق ۹ گانه تقسیم‌بندی هرینک دارای سبک‌های سفالی شاخص مربوط به خود می‌باشند که در این میان، منطقه غرب ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. از آنجایی که اشکانیان، غرب ایران را دیرتر از نقاط دیگر

سطحی مربوط به دوران میانی است، و ۱ تپه نیز علاوه بر دوران متأخر، آثاری مربوط به دوران میانی اشکانی دارد. در مورد آبراهه‌ها نیز چنین است که ۴ محوطه با ماهیت گورستان، ۱ محوطه اسقراری و ۳ تپه در حاشیه آن‌ها قرار دارند که ۳ گورستان و ۱ محوطه سطحی مشترکاً مربوط به دوران متقدم و میانی، ۱ گورستان و ۱ تپه دوران میانی، و ۳ تپه مربوط به دوران متأخر اشکانی است. نهایتاً در کنار یا پیرامون چشمه‌ها ۴ تپه، ۵ محوطه سطحی و ۲ قلعه وجود دارد، که ۳ تپه به طور مشترک دارای آثار دوران میانی و متأخر و همچنین ۱ تپه، ۵ محوطه سطحی و ۲ قلعه تنها دارای آثار دوران متأخر اشکانی هستند (نمودار ۱).

با چنین آرایشی به نظر می‌رسد که در دوران حضور اشکانیان در این منطقه که حدوداً از اواخر سده دوم و اوایل سده اول پ.م. به بعد است، از حاشیه ایجرود جهت اسکان استفاده نمی‌شده و تنها یک محوطه به عنوان محل تدفین مربوط به این دوره وجود دارد، و این در حالی است که طبق شواهد موجود این تراس‌ها، قبل از اشکانیان جهت استقرار دائم مورد توجه بوده است. ضمن این که در دوران متقدم اشکانی، گورستان‌های شناسایی شده در محدوده بررسی، عموماً در کناره آبراهه‌ها ایجاد شده و هیچ گونه استقرار یا گورستانی در حاشیه رودخانه‌های فرعی، نهرها و چشمه‌ها به چشم نمی‌خورد.

در مورد دوران میانی اشکانی، عموماً گورستان‌ها همچون دوران متقدم در کنار آبراهه‌ها ایجاد می‌شده و تنها یک مورد در کنار ایجرود است که به نظر می‌رسد با توجه به عدم وجود سفال منقوش در سطح محوطه، مربوط به اواخر دوران میانی باشد. در این بخش از دوران اشکانی، تقریباً تمامی انواع منابع آبی جهت استقرار مورد توجه بوده و امکان وجود تپه‌ها و محوطه‌های استقرار این دوره، در کنار ایجرود، رودخانه فرعی، نهرها، آبراهه‌ها و چشمه‌ها هست.

به تسلط خود در آوردند، شاید به کار بردن عنوان سفال اشکانی، خصوصاً برای گونه‌هایی که قدیم تر از زمان حضور پارت‌ها می‌باشد، چندان صحیح نباشد. زیرا برخی از فرم‌های ظروف و نیز نقوشی که در این دوره رایج است، ریشه در سنت‌های قدیمی‌تر منطقه دارد. بر این اساس، عنوان سفال منطقه غرب در دوره اشکانی عنوانی به مراتب بهتر و عقلانی‌تر از سفال اشکانی منطقه می‌باشد.

همچنین، در مطالعه سفال دوره اشکانی نباید از برخی نکات قابل توجه چشم‌پوشی نمود. به طور مثال، اگر سفال منقوش یکی از سفال‌های رایج این دوره در منطقه غرب کشور است، پس باید پیشینه‌ای به مراتب قدیم تر از دوره متقدم اشکانی را برای آن‌ها قائل شد. با توجه به شباهت برخی فرم‌های ظروف با نمونه‌های مربوط به دوره‌های ماد (عصر آهن III)، هخامنشی و سلوکی، این مسئله را می‌توان به نحوی بهتر درک نمود. از دیگر نکات قابل توجه، سفال‌های معمولی می‌باشد که در بسیاری از موارد تشخیص گونه‌های اشکانی آن‌ها از نمونه‌های ساسانی دشوار است و خود، یکی از معضلات در باب مطالعه سفال‌های مربوط به دوره تاریخی به شمار می‌آید.

عموماً سفال ایران دوره اشکانیان در غرب کشور به سه دوره کوچک تر تقسیم شده که عبارتند از:

۱- دوره متقدم (سده سوم تا حدود ۱۵۰ پ.م.)، که شاخص سفال این دوره، بیشتر ظروف منقوش را شامل می‌شود. محوطه‌هایی که دارای چنین سفال‌هایی هستند، عبارتند از، الف- حسنلو، که دایسون در لایه‌های سده ۳-۲ پ.م علاوه بر سفال لعابدار و نوعی سفال منقوش، موسوم به «سفال مرموز»، سفال‌های سبک منقوش مثلثی به دست آورد (Dyson, 1965, 1975). هرچند که دایسون قدمت برخی از این نقوش را به قرن پانزدهم پیش از میلاد نسبت می‌دهد (Dyson, 1999) (شکل ۱، طرح ۲ و ۳). ب- یانیق تپه (Burney, 1962) که هرینک سفال‌های منقوش مثلثی سبک اردبیل آن را متعلق به سده ۵ تا ۲ پ.م می‌داند

(Haerinck, 1978). ج- گورستان اشکانی همدان که علاوه بر گورهای دوران هخامنشی، چند گور دوران اشکانی نیز کاوش گردید و تعدادی سفال منقوش و سکه‌هایی از مهرداد اول و فرهاد دوم به دست آمد (Azarnoush, 1975 و هرینک، ۱۳۷۵: ۱۰۹).

علاوه بر غرب، در مناطق دیگری از ایران نیز سفال‌های منقوشی به دست آمده که همگی مربوط به بازه زمانی سده سوم تا نیمه دوم سده دوم پیش از میلاد هستند. محوطه‌های مسجد سلیمان و بردن‌شانه، در منطقه جنوب غرب (Ghirshman, 1976)، محوطه‌های اطراف اردبیل (Dyson, 1965) و محوطه‌های اشکانی شناسایی شده در بررسی منطقه مشکین شهر (Burney, 1979) در آذربایجان شرقی و بالاخره تل ملیان (Balcer, 1978: 87, fig:7) در جنوب ایران شامل این دسته از سفال‌ها هستند که مربوط به دوران مذکور می‌باشند.

۲- دوره میانه (۱۵۰ تا اواخر سده اول پ.م) که شاخص‌ترین گونه مربوط به این دوره را، سفال‌های کلینکی می‌دانند، هرچند که در این دوره، سفال‌های لعابدار را نیز نباید از نظر دور داشت. شایان اشاره است که سفال کلینکی را در دوران متقدم اشکانی نمی‌توان یافت و کاربری این گونه سفال بین ۱۵۰ پ.م تا ۲۵۰ م است. (رهبر، ۱۳۸۲: ۱۲۶) در این دوره، سفال‌های معمولی نیز وجود دارند که فرم لبه آن‌ها، متأثر از فرم لبه ظروف دوران متقدم است (شکل ۲، طرح ۶-۱).

۳- دوره متأخر اشکانی (نیمه سده اول پ.م تا ۲۵۰ م)، که برخی سبک‌های مربوط به دوره پیشین را به همراه داشته و بیشتر ظروف، گونه معمولی را شامل می‌شود که به لحاظ فرم و شکل تا حدودی قابل تشخیص می‌باشند (مافی، ۱۳۸۵، ص ۵۴)، (محمدی‌فر، ۱۳۸۴) و (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۲۱).

محوطه‌های محدوده بررسی متعلق به دوران متقدم اشکانی عبارتند از محوطه کومز، تپه قاباق و گورستان‌های

قنبرلک، سردار تپه گرنه (۲) و سردار تپه گرنه (۳)، که عمدتاً دارای سفال‌های منقوش مثلثی و دالبری بوده و شاخص این دوره در غرب کشور است (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۱۱) (تصویر ۵، شکل ۱). همچنین محوطه کومز دارای قطعه سفالی با نقش بادبانی سبک اردبیل است (همان، شکل ۲۰، حاشیه طرح ۱) که قابل مقایسه با سفال‌های شاخص دوران اولیه اشکانی در آذربایجان شرقی است (همان: ۱۴۵) (تصویر ۶). ضمن این که در گورستان سردار تپه گرنه (۲)، علاوه بر دیگر سفال‌های دوران متقدم، یک قطعه سفال منقوش هندسی معرفی گردید که سفالگر قبل از اجرای نقش، سطح بیرونی ظرف را با رنگ سیاه پوشانده و سپس با رنگ کرم روی زمینه سیاه به ترسیم نقش پرداخته است (تصویر ۷). لازم به یادآوری است که این تکنیک در هیچ یک از تقسیم بندی‌های هرینک و دیگر پژوهشگرانی که در زمینه سفال دوره اشکانی صاحب نظرند تاکنون اشاره نشده و به نظر می‌رسد این قطعه سفال دوره متقدم اشکانی، برای نخستین بار در این پژوهش ارائه می‌گردد.

همچنین، محوطه‌های دوره میانی اشکانی محدود به بررسی، همچون آراگل‌بویناق، قیزلار قلعه‌سی، سردار تپه گرنه (۱) و تاس-تپه (۱) و (۲)، اغلب با استناد به سفال‌هایی که ابتدا توسط یانگ (Young, 1966: 232) و سپس استروناخ (Stronach, 1968: 18) کیلینکی (جیلینگی) نامیده شدند، به این دوره منتسب شده‌اند. (تصویر ۸ و شکل ۲) و قابل مقایسه با سفال‌های خورنه (رهبر، ۱۳۸۲، ۱۱۷) تپه نوشیجان (Kleiss, 1975: 135) و (Stronach, 1969)، غرب بروجرد (Kleiss, 1972: 41)، تپه ازنا، نورآباد و تپه مصلا، دره‌های اسدآباد و کنگاور (کامبخش‌فرد، ۱۳۴۷: ۱۲) و صحنه (Young, 1975: 192)، گودین تپه (Young, 1965: 32)، بیستون (Kleiss, 1970: 25)، دره هلیان (Mortensen, 1974)، ماهیدشت (Levin, 1975: 290)، شاه آباد، تپه عظیمی در سر پل ذهاب (Kleiss,

41: 1972)، قلعه یزدگرد (Keall, 1967: 108) کردستان مرکزی و شمالی و آذربایجان جنوبی (Swiny, 1975: 96) تخت سلیمان (Schnyder, 1975: 183) گویجه قلعه و همچنین در قلعه ضحاک (Kleiss, 1973: 168) هستند. محوطه‌های دوره متأخر اشکانی این منطقه همچون، جمجمه، نخوزر، تات‌باغی (۲)، تالپ‌یال (۲)، چال‌تپه، هاچا، قزلر قلعه‌سی، اوچ‌قیزیل و قلعه‌احمد، عموماً با استناد به سفال‌های معمولی قابل شناسایی می‌باشند (تصویر ۹ و شکل ۳). هرچند که در شناخت سفال‌های معمولی، تشخیص دقیق نمونه‌های اشکانی از ساسانی امری بسیار دشوار است. سفال‌های معمولی محوطه‌های شناسایی شده در محدوده بررسی، غالباً دارای تزییناتی به صورت نقوش برجسته طنابی، شیارهایی بر روی لبه و بدنه، خطوط کنده موازی، نقش کنده خارماهی، نقوش شانهای موج، نیم‌دایره یا سه چهارم دایره، نقاط کنده کنار هم که چند خط عمودی یا مورب را تشکیل می‌دهند، هستند که در نقاط دیگری چون کنگاور (کامبخش‌فرد، ۱۳۵۱: ۶)، قلعه یزدگرد (Keall, 1981: 40-54) و بیستون (کلایس، ۱۳۸۵: ۱۱۲) مشاهده گردیده است. ضمن این که لبه‌های برجسته و برگشته نواری، و یک شیار در میانه آن دارند و گاهی دارای دودسته می‌باشند (هرینک، ۱۳۷۶: ۱۲۱).

در ارتباط با فرم ظروف رایج در منطقه ایجرود، متداول‌ترین آن‌ها پیاله، کاسه، کوزه و خمره است که انواع دسته‌دار و بدون دسته در آن‌ها یافت می‌گردد. در دوره متقدم و میانه، نسبت انواع ظروف یاد شده همسان بوده و در دوران متأخر به نظر می‌رسد تعداد پیاله‌ها کاهش یافته و بر تعداد انواع کوزه اضافه شده است. ضمن این که در دو محوطه قطعاتی از پیه سوز نیز یافت گردید (نمودار ۲).

در برخی محوطه‌ها همچون تپه قاباق و محوطه‌هاچا تکه‌هایی از ملات ساروج با میانگین ضخامت ۱/۵ cm به چشم می‌خورد که بعضاً بر سطح خارجی خمره‌ها و

با توجه به کمیت محوطه‌ها در دوران متأخر و نحوه پراکنش آنها در منطقه، می‌توان دریافت که ساکنین محدوده بررسی در دوران متأخر اشکانی از حداکثر پتانسیل زیست‌محیطی منطقه نهایت بهره‌برداری را می‌نموده‌اند.

مراکز شهری دوران اشکانی منطقه

محوطه‌های شناسایی شده در محدوده بررسی دارای وسعت‌های متفاوتی هستند. در این پژوهش، محوطه‌های دوره اشکانی به چهار گروه دسته‌بندی شده‌اند، به طوری که محوطه‌های کمتر از ۰/۵ هکتار ۱۵ محوطه، ۰/۵۱ تا ۱ هکتار ۱۱ محوطه، ۱/۰۱ تا ۲ هکتار ۶ محوطه و بیشتر از ۲ هکتار ۲ محوطه را شامل می‌شود. میانگین وسعت محوطه‌های اشکانی دهستان گلابر ۱/۴۴۸ هکتار بوده که میانگین وسعت تپه‌ها در این دهستان ۰/۸۵۷ هکتار و محوطه‌های سطحی ۲/۲۷۳ هکتار است. همچنین، میانگین وسعت محوطه‌های اشکانی محدوده بررسی شده در بخش حلب، ۰/۵۴۳ هکتار است که میانگین وسعت تپه‌ها در این محدوده ۰/۴۸۸ هکتار و محوطه‌های سطحی ۰/۵۸۸ هکتار می‌باشد. با توجه به وسعت تمامی محوطه‌های دوران اشکانی و فراوانی آنها در ادوار سه‌گانه این دوره (نمودار ۴) و فراوانی انواع محوطه‌های اشکانی در ادوار مختلف (نمودار ۳)، و با در نظر گرفتن میانگین ارتفاع ۱۸۰۰ متری از سطح دریا برای دهستان گلابر و ۱۶۰۳ متر برای محدوده بررسی شده در بخش حلب، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تپه‌ها با بافتی متراکم و به هم فشرده، استقرارهایی دائمی بوده و محوطه‌های سطحی استقرار یافته که حدود ۸۵٪ آنها در دهستان گلابر قرار دارند، با توجه به سطحی بودن آثار پراکنده در پهنه آنها، همچنین ارتفاع زیاد محوطه‌ها از سطح آب‌های آزاد، و نیز وجود منابع آبی متعادل و مراتع غنی و گسترده در اطراف آنها، تصویری از استقرارهای کوچ‌رو را متصور می‌شوند.

کوزه‌ها اندود شده است (تصاویر ۱۰ و ۱۱) که به نظر می‌رسد جهت عایق نمودن ظروف ذخیرکننده از رطوبت محیط و کف زمینی که ظرف بر روی آن قرار می‌گیرد، به کار می‌رود. این تکنیک عایق کردن ظروف ذخیره‌ای، در طارم علیا نیز مشاهده شده است (نجفی و آخوندی، ۱۳۸۶).

از برآیند مبحث سفال محدوده بررسی، و آنچه در بالا آمد، چنین استنتاج می‌گردد که سفال‌های این محدوده، علاوه بر متأثر بودن از شمال غرب و آذربایجان شرقی در دوران متقدم اشکانی، در تمامی ادوار اشکانی، پیرو فرهنگ سفالگری غرب کشور است. ضمن این که در مواردی همچون سفال منقوش گورستان سردار تپه گرنه (۲)، شاهد ابتکارات بومی نیز هستیم (شکل ۱، طرح ۴).

توزیع محوطه‌های ادوار مختلف اشکانی در محدوده بررسی

با وجود محوطه‌های دوران اشکانی شناسایی شده در محدوده بررسی، و پراکندگی آثاری همچون سفال شاخص ادوار سه‌گانه متقدم، میانه و متأخر در سطح محوطه‌ها، می‌توان دریافت که این منطقه در تمامی بازه زمانی حکومت اشکانیان، مسکون و مورد توجه جوامع انسانی آن دوران بوده است. با توجه به توزیع محوطه‌های اشکانی در ادوار مختلف، دوران متقدم با ۵ محوطه، کمترین تراکم، و دوران متأخر با ۲۷ محوطه، بیشترین تراکم را در دوران سه‌گانه اشکانی به خود اختصاص داده‌اند. محوطه‌های دوران متقدم تشکیل شده‌اند از تپه، ۱ محوطه سطحی استقرار و ۳ محوطه گورستانی، در دوران میانه ۷ تپه، ۱ قلعه، ۴ محوطه گورستانی و ۲ محوطه سطحی استقرار و دوران متأخر که متشکل از ۱۱ تپه، ۱۱ محوطه سطحی استقرار، ۱ محوطه گورستانی و ۴ قلعه است (نمودار ۳).

نیز حمدالله مستوفی از جرود (ایجرود) و انجرود (انگوران) با عنوان توابع سجاس و سهرورد نام می‌برد و پس از آن در شرح شهر شیز و آتشکده آذرگشنسب آورده که شیز مهم-ترین شهرهای ولایت انجرود است و آن را جزء انجرود (انگوران) در غرب ایجرود دانسته است. با توجه به راه‌های طبیعی بین ایجرود و انگوران امروزی و جاده آسفالتی بین سجاس و زرین‌آباد (مرکز شهرستان ایجرود) می‌توان تصویری از راه باستانی بین سجاس و تخت سلیمان را که از شهرستان ایجرود می‌گذرد متصور شد (نقشه ۳).

مساحت قلعه قزلقلعه سی ۱۶۰۰ متر مربع، قیزلار قلعه‌سی ۳۴۰۰ متر مربع و آق‌قلعه ۸۰۰ متر مربع و مصالح به کار رفته در آن‌ها، علاوه بر خشت و گل، عموماً سنگ و ملات ساروج است (تصویر ۱۳). ضمن این که در قلعه آق‌قلعه جهت فضا سازی، از بستر صخره‌ای سطح بالای تپه نیز استفاده شده و با تکنیک حجاری، فضای اتاق‌ها و حتی تنور (؟) یا اجاق نیز تعبیه گردیده است (تصاویر ۱۴ و ۱۵). با توجه به به کارگیری سنگ و خشت و گل به عنوان مصالح غالب در گستره‌های استقراری منطقه مورد بررسی که عموماً بوم‌آورند، به نظر می‌رسد تپه گوشا تپه‌لر که در سطح آن ملات ساروج به وفور وجود دارد، به نوعی با قلعه آق‌قلعه مرتبط بوده و بنایی سازمانی، از نوع امنیتی باشد. قرارگیری این دو محوطه در فاصله‌ای کوتاه نسبت به هم، موقعیت زمین ریختی (مورفولوژیک) آن‌ها، و به کارگیری مصالح مشابه، به این نظریه قوت می‌بخشد.

در محدوده بررسی دهستان ایجرود پایین (بخش حلب) نیز قلعه‌ای به نام اوچ‌قیزیل شناسایی گردید که هم از نظر نوع مصالح و هم مجاورت آن با محوطه استقراری هم دوره خود، با قلاع یاد شده در دهستان گلابر متفاوت است و با ارتفاعی حدود ۶۰ متر از سطح اراضی اطراف، بر تمامی پیرامون خود مسلط بوده و بر اوضاع منطقه اشراف کامل دارد. این قلعه در بالای قلعه کوه منفردی واقع شده که بر خلاف قلاع گلابر، محوطه استقراری هم زمانی در دامنه

با چنین پراکنش و جذب محیطی استقرارهای اشکانی در محدوده بررسی و عدم وجود محوطه‌ای که فاکتورهای یک استقرارگاه شهری در این دوره را در منطقه داشته باشد، به نظر می‌رسد این مهم در خارج از محدوده بررسی این پژوهش واقع است. چرا که تنها محوطه‌هایی که از لحاظ وسعت می‌توانستند چنین ویژگی داشته باشند، ۲ محوطه مجمله با ۱۲ هکتار و قلعه احمد با ۶ هکتار وسعت هستند که با توجه به استدلال پیش گفته - سطحی بودن آثار پراکنده در پهنه آن‌ها، ارتفاع زیاد محوطه‌ها از سطح آب‌های آزاد، و نیز وجود منابع آبی متعادل و مراتع غنی و گسترده در اطراف آن‌ها - این دو محوطه، جزء استقرارهای کوچ‌رو بوده (مترجم و بلمکی، ۱۳۸۸) و نمی‌توانند استقرارگاهی شهری در دوران اشکانی باشند.

موقعیت امنیتی و استراتژیک ایجرود در دوران اشکانی

در میان محوطه‌های اشکانی، محدوده بررسی شده شهرستان ایجرود، چهار قلعه با کاربرد دفاعی شناسایی شد که ۳ قلعه با نام‌های قزلقلعه‌سی، قیزلار قلعه‌سی و آق‌قلعه در محدوده دهستان گلابر و یک قلعه به نام اوچ‌قیزیل در محدوده بررسی شده دهستان ایجرود پائین واقع شده است (تصویر ۱۲). این قلاع بر بالای قله ارتفاعات منفرد احداث شده‌اند و با توجه به محل قرارگیری آن‌ها، به نظر می‌رسد که بر مسیرهای آمدوشد زمانه خود اشراف و تسلط کامل، و اوضاع منطقه را زیر نظر داشته‌اند.

در مبحث جغرافیای تاریخی دیدیم که سارگن در گزارش هشتمین لشکرکشی خود در سده هشتم پیش از میلاد به سمت شرق از ابدادانه (بیجار)، اپاتره (ابهر) و کت‌پتی (قزوین) نام می‌برد. اگر سارگن از بیجار به سمت ابهر، یا بالعکس رفته باشد، یکی از مسیرها می‌تواند مسیر ایجرود به سجاس، قیدار، ابهر و قزوین، و یا از سجاس به سلطانیه، ابهر و قزوین و یا بالعکس باشد. چرا که یکی از راه‌های طبیعی این مسیر، از ایجرود می‌گذرد. در قرن هشتم هجری

آن گسترده شده است. ضمن این که مصالح به کار رفته در آن آجرهای مربع $۲۲ \times ۲۲ \times ۶$ سانتی‌متری با رنگ‌های نخودی و قهوه‌ای مایل به قرمز، و ملات گچ و آهک است. ضخامت دیوارها با احتساب اندود گچ و آهک ۵۸ سانتی‌متر است (تصویر ۱۶). ابعاد این قلعه ۳۰×۷۰ متر بوده که مساحتی حدود ۲۰۰۰ متر مربع را در بر می‌گیرد. وجود چنین قلاعی در محدوده بررسی، اهمیت منطقه‌ای شهرستان ایجرود در دوره اشکانی را از نظر موقعیت امنیتی و استراتژیک هویدا می‌نماید.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که در مبحث جغرافیای تاریخی منطقه آمد، می‌توان چنین استنباط کرد که منطقه ایجرود از دیرباز، محل رفت و آمد، و گذرگاهی مهم در دوران باستان بوده، و همچنین ماهیت مواد فرهنگی محوطه‌های شناسایی شده نشان می‌دهد که شهرستان ایجرود از دوران نوسنگی تاکنون مورد توجه جوامع بشری است. دوره‌های پیشنهادی برای محوطه‌های شناسایی شده در ساحل رودخانه ایجرود نشان می‌دهد که تراس این رودخانه، تنها قبل از نفوذ اشکانیان به این منطقه، جهت استقرار دائم مورد توجه بوده است. در دوران متقدم اشکانی، گورستان‌ها عموماً در کناره آبراهه‌ها ایجاد می‌شده و هیچ‌گونه استقرار و یا گورستانی در حاشیه رودخانه‌های فرعی، نه‌رها و چشمه‌ها به چشم نمی‌خورد. همچنین در دوران میانه اشکانی، تقریباً تمامی انواع منابع آبی جهت استقرار مورد توجه بوده و امکان وجود تپه‌ها و محوطه‌های استقراری این دوره، در کنار ایجرود، رودخانه‌های فرعی، نه‌رها، آبراهه‌ها و چشمه‌هاست. ضمن این که به نظر می‌رسد در دوران متأخر اشکانی، علاوه بر رودهای فرعی و آبراهه‌ها، جوامع ساکن در این منطقه، توجه ویژه‌ای به نه‌رها و چشمه‌ها داشته و از حداکثر پتانسیل زیست محیطی منطقه بهره‌برداری می‌نموده‌اند. حاصل آنچه که در بخش مطالعه

سفال‌های اشکانی آمد چنین است که محدوده بررسی در تمامی بازه زمانی حکومت اشکانیان مسکون بوده و سفال‌های این محدوده علاوه بر متأثر بودن از شمال غرب و آذربایجان شرقی در دوران متقدم، در تمامی ادوار اشکانی، پیرو فرهنگ سفالگری غرب کشور است. علاوه بر آن در مواردی همچون سفال منقوش گورستان سردار تپه گرنه (۲)، شاهد ابتکارات بومی نیز هستیم. با توجه به عدم وجود محوطه‌ای که فاکتورهای یک استقرارگاه شهری در این دوره را در منطقه داشته باشد، به نظر می‌رسد این مهم در خارج از محدوده بررسی این پژوهش واقع است. و محوطه‌های استقرار شناسایی شده یا در ابعاد روستا بوده و یا استقرارهای کوچ‌رو هستند. و در آخر، وجود چهار قلعه با کاربرد دفاعی در محدوده بررسی، اهمیت منطقه‌ای شهرستان ایجرود در دوره اشکانی را از نظر موقعیت امنیتی و استراتژیک هویدا می‌نماید.

منابع

آمارنامه جمعیتی سال (۱۳۸۵). سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان زنجان.

استروناخ، دیوید (۱۳۷۹). پاسارگاد، ترجمه حمید خطیب شهیدی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

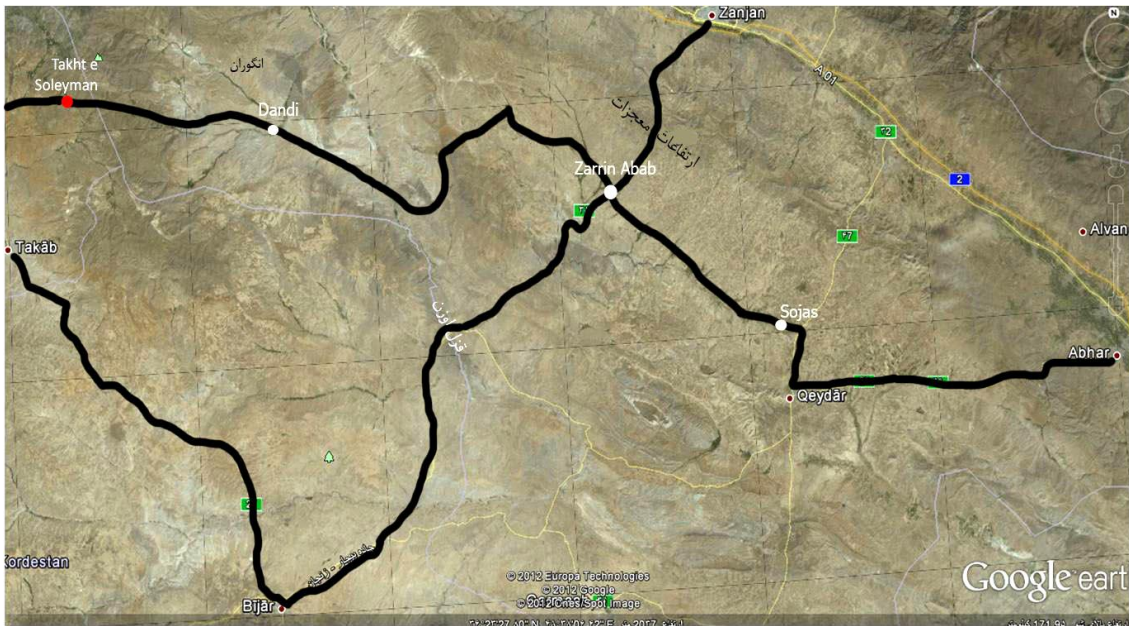
الهی، امیر و آخوندی، رضا (۱۳۸۷). گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان ایجرود، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان.

حاتمی، طیب (۱۳۸۷). تحلیل باستان‌شناختی محوطه‌های اشکانی دهستان فیروزآباد الشتر در استان لرستان، پایان نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی به راهنمایی دکتر فرزاد مافی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.

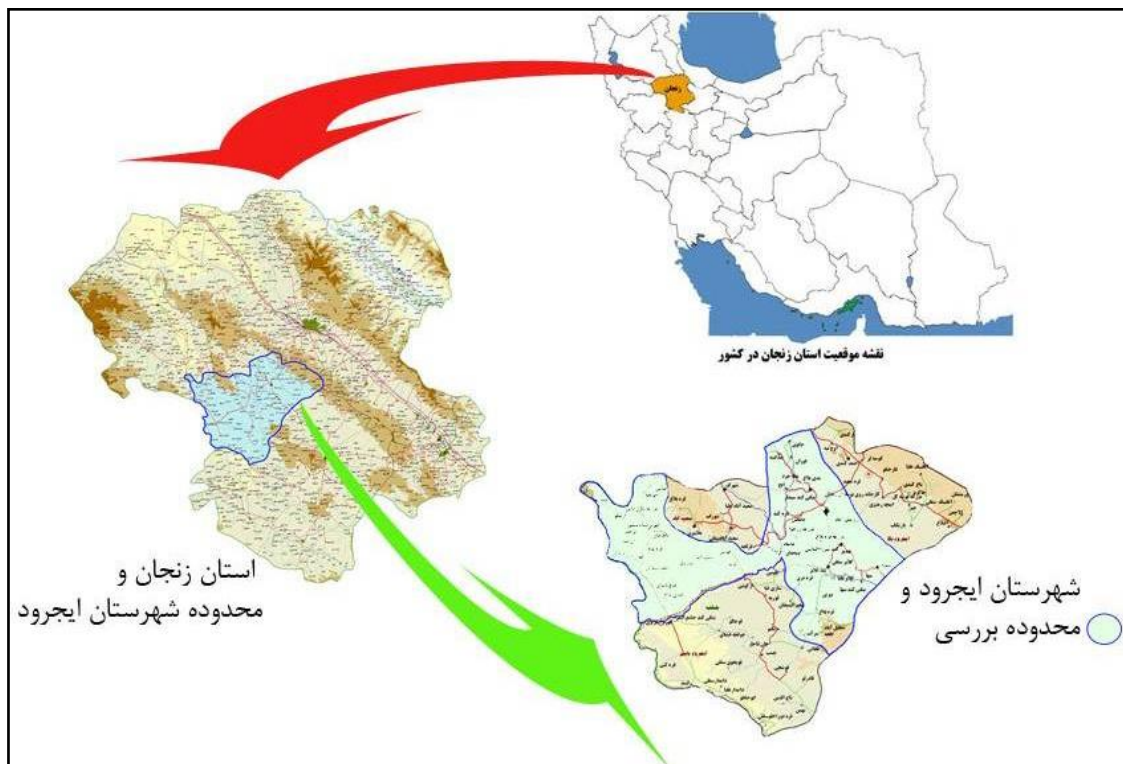
- حسینی، سیده سمیه (۱۳۸۶). *بررسی و تحلیل باستان‌شناختی استقرارهای اشکانی شهرستان ماهنشان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی به راهنمایی دکتر یعقوب محمدی‌فر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.
- حمدالله مستوفی (۱۳۳۶). *نزهة القلوب*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: چاپ طهوری.
- خسروزاده، علیرضا، عالی، ابوالفضل (۱۳۸۳). *توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه ماهنشان (زنجان)*، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران: حوزه شمال غرب، به کوشش دکتر مسعود آذرنوش، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- رهر، مهدی (۱۳۸۲). *سومین فصل کوشش‌های باستان‌شناسی خورمه*، معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی کشور.
- علیزاده، کریم (۱۳۸۲). *معرفی سفال‌های دژ بیستون*، گزارش‌های باستان‌شناسی (۲)، پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۱۰۷-۸۷.
- فرهنگ آبادی‌های شهرستان ایجرود (۱۳۸۳). سازمان برنامه و بودجه، استانداری زنجان.
- فیض‌خواه، محمد (۱۳۸۳). *ظروف مثلثی*، گزارش‌های باستان‌شناسی (۳)، پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور، صص ۵۸-۵۱.
- کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۵۱). *کاوش‌های باستان‌شناسی در کنگاور*، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۹ و ۱۰.
- کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۴۷). *معبد آناهیتا کنگاور*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- کامبخش فرد، سیف‌الله (۱۳۷۷). *گور خمره‌های اشکانی*، مجله باستان‌شناسی و تاریخ، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کلایس، ولفرام (۱۳۸۵). *محوطه معروف به دامنه پارتی*، بیستون.
- لسترنج، گگی (۱۳۷۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی.
- مافی، فرزاد (۱۳۸۵). *بررسی و تحلیل آثار و استقرارهای اشکانی حوزه جغرافیایی ابهررود*، پایان‌نامه دکتری باستان‌شناسی، به راهنمایی دکتر محمد رحیم صراف، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.
- مافی، فرزاد، صراف، محمدرحیم (۱۳۸۵). *تحلیل باستان‌شناختی آثار و استقرارهای اشکانی حوزه آبریز ابهررود*، پیام باستان‌شناسی، ۳(۶)، ۷۵-۱۰۲.
- مترجم، عباس، بلمکی، بهزاد (۱۳۸۸). *بررسی و تحلیل استقرارهای اشکانی دامنه‌های شمالی الوند (همدان)*، مطالعات باستان‌شناسی، ۱(۱)، ۱۳۵-۱۵۳.
- محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۸۴). *بررسی و تحلیل آثار و استقرارهای اشکانی در زاگرس مرکزی*، پایان‌نامه دکتری باستان‌شناسی، به راهنمایی دکتر محمد رحیم صراف، دانشگاه تربیت مدرس.
- میرفتاح، سید علی اصغر، آخوندی، رضا (۱۳۸۶). *گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان ایجرود*، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان.
- نجفی، ارض‌الله، آخوندی، رضا (۱۳۸۶). *گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان طارم علیا*، فصل اول، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان زنجان.

- Haerinck, E. (1978). Painted pottery of the Ardabil style in Azerbaidjan (Iran), *Iranica Antiqua*, XIII, 79-89.
- Keall, E. (1967). Qaleh-i Yazdigird. *Iran*, 5, 108.
- Kleiss, W. (1975). Beobachtungen in der Umgebung von Sarpol -i- Zahab. AMI. N.F.8
- Kleiss, W. (1973). Qaleh zohak in Azarbajjan. *AMI NF 6*, 163-88.
- Kleiss, W. (1972). *Bericht uber Erkundung sfahrter in Iran im Jahre*, AMI, N.F.6
- Kleiss, W. (1970). Zur topographic des partherhenges in bistu. AMI N.F.3, PP.162 – 167.
- Mortensen, P. (1974). A survey of Prehistoric settlement in northern Iuristari. *Ada Archaologia*, 45, 1-47.
- Schnyder, R. (1975). *Takht-i Suleiman*. Archaologischer Anzeiger.
- Stronach, D. (1968). *Tepe Nushi-jan, A moum in Media*, Bulletin of the Metropolitan Museum of Art.
- Stronach, D. (1969). Excavations at Tepe Nushi-Jan, 1967. *Iran*, 7(1), 1-20.
- Swiny, S. (1975). Survey in north-west Iran, 1971. *East and west*, 25(1/2), 77-97.
- Vogelsang, W. (1985). Parthian period pottery from Iran. *AME*, 18, 157 – 175.
- Young, T.C. (1975). Kangavar valley survey. *Iran*, 13.
- Young, T.C. (1966). Survey in wesern Iran 1961. *Journal of Near Eastern studies*, 34, 228-239.
- Young Jr, T. C. (1965). A comparative ceramic chronology for Western Iran, 1500-500 BC. *Iran*, 3(1), 53-85.
- نجفی، ارض‌الله، مافی، فرزاد، آخوندی، رضا (۱۳۸۸). مطالعه و بررسی آثار و استقرارهای اشکانی کوهپایه‌های آبیک، *پیام باستان‌شناس*، ۶(۱۱)، ۶۹-۸۲.
- هرتسفلد، ارنست (۱۳۸۱). *ایران در شرق باستان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هرینک، ارنی (۱۳۷۶). *سفال ایران در دوران اشکانی*، ترجمه حمیده چوبک، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- Azarnoush, M. (1975). Hamadan. *Iran XIII*, 181-182.
- Balcer, J.M. (1978). *Excavations at Tal-I Malyan*, Part 2. Parthian & Sassanian Coins & Burials (1976), PP. 86-94,
- Burney, C. (1962). The excavations at Yanik Tepe. *Iraq*, XXIV, PP. 147-151, Pl. XLV.
- Burney, C. (1979). Meshkinshahr Survey. *Iran*. XVII.
- Dyson Jr, R. H. (1965). Problems of Protohistoric Iran as seen from Hasanlu. *Journal of Near Eastern Studies*, 24(3), 193-217.
- Dyson, R. (1975). Hasanlu. *Iran*, XIII, 185.
- Dyson, R. (1999). Triangle-festoon ware reconsidered. *Iranica antique*, XXXIV, 115-144.
- Ghirshman, R. (1976). *Terrasses sacrees de Barde-e Nechandeh et Masjid-I solaiman*. MDAI. XLV. Paris. Pp. 5-51.
- Keall, E.J., & Keall, M.J. (1981). The Qaleh-i Yazdgird Pottery: A Statistical Approach. *Iran XIX*, 33-81.

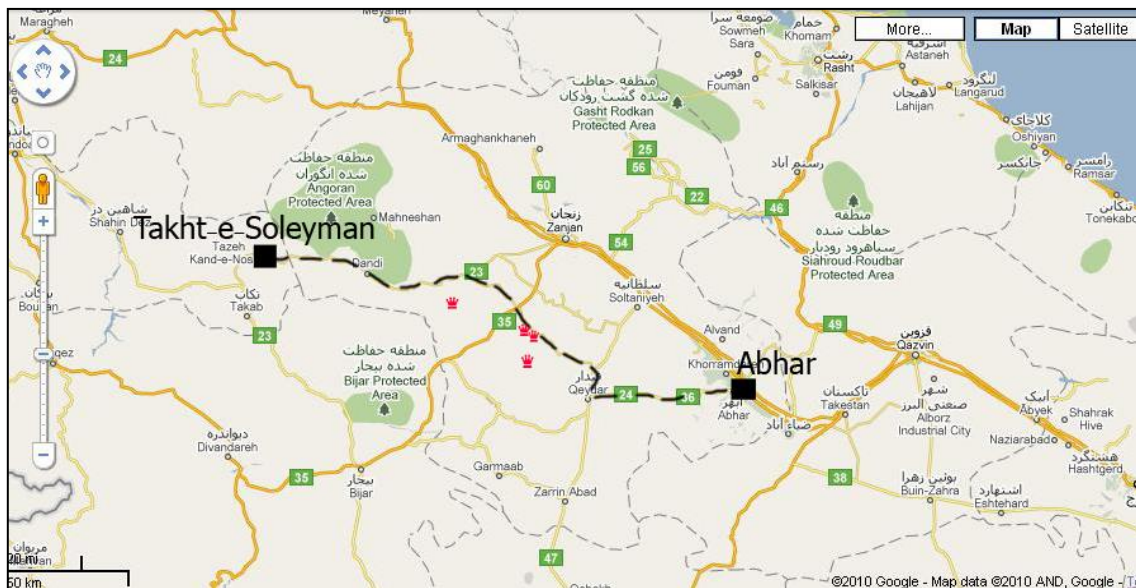
ضمایم



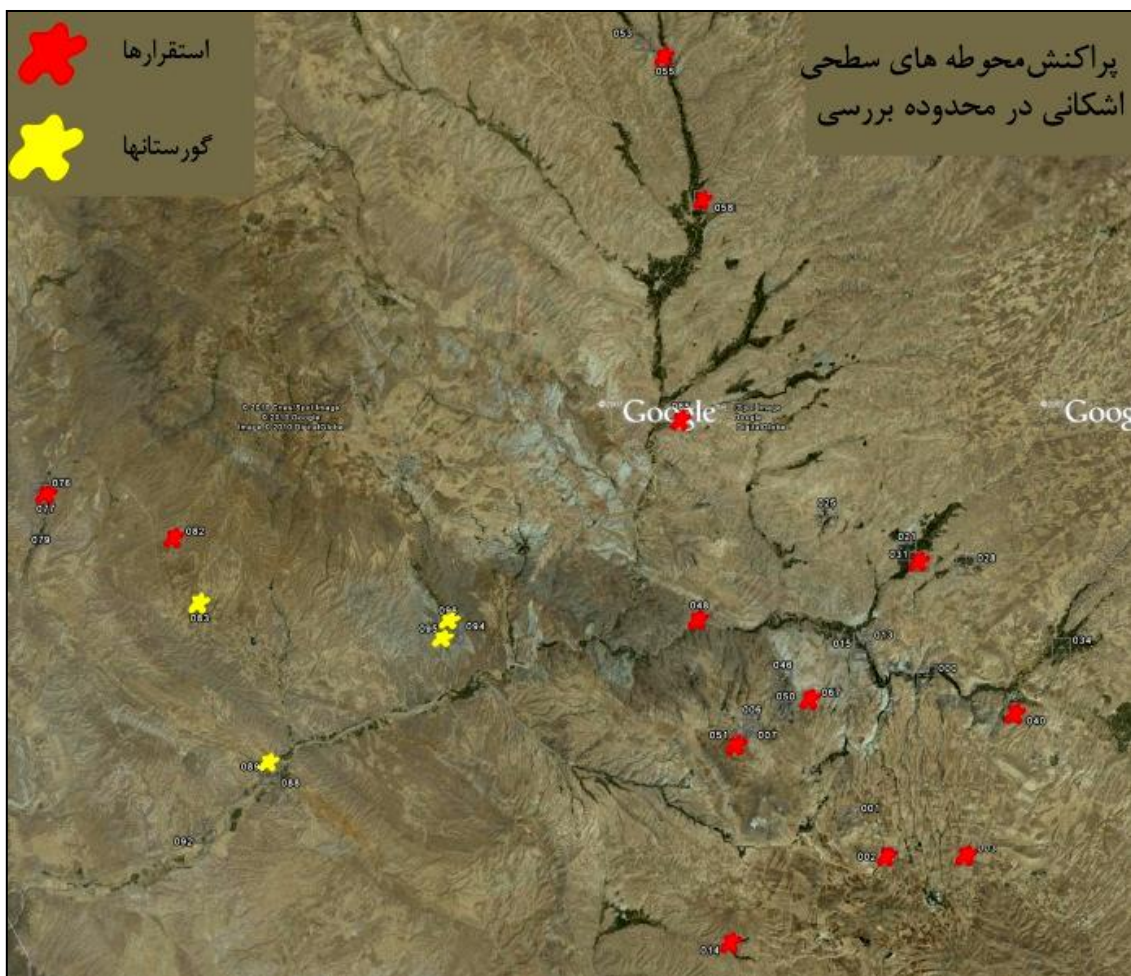
نقشه ۱: راه‌های مواصلاتی زنجان، بیجار - تکاب و ابهر، قیدار، زرین‌آباد - دندی، تخت سلیمان



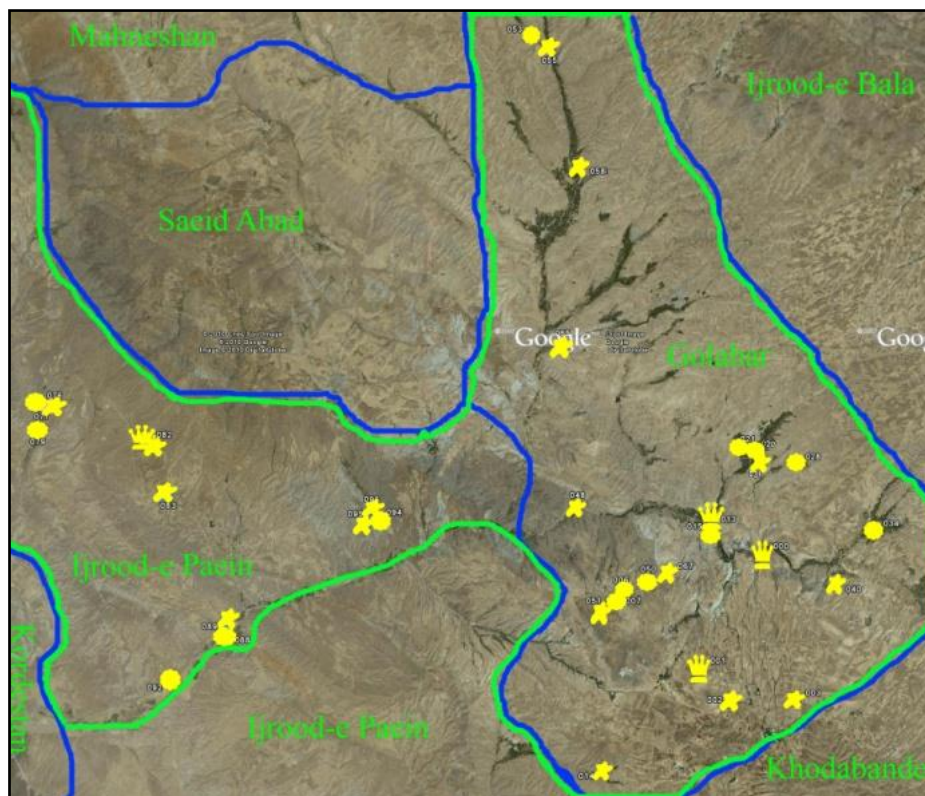
نقشه ۲: جانمایی محدوده بررسی بر روی نقشه سیاسی شهرستان



نقشه ۳: جانمایی قلاع و یکی از مسیرهای امروزی ابهر - تخت سلیمان و بازسازی مسیر قرن هشتم هجری (۹)



تصویر ۱: جانمایی محوطه‌های اشکانی بر روی تصویر ماهواره‌ای محدوده بررسی



تصویر ۲: جانمایی پراکنش محوطه‌های سطحی دوران اشکانی بر روی تصویر ماهواره‌ای محدوده بررسی



تصویر ۳: تخته‌سنگ‌های شیبست پراکنده در سطح گورستان



تصویر ۴: نمونه سفال‌های معاصر ساخته شده در منطقه بررسی که از مصالح بوم آور استفاده شده است.



تصویر ۵: نمونه سفال‌های منقوش تپه قاباق و گورستان‌های قنبرلک، سردار تپه گرنه (۲) و (۳)



تصویر ۶: نمونه سفال منقوش محوطه کومز



تصویر ۷: نمونه سفال منقوش گورستان سردار تپه گرته (۲)



تصویر ۸: لبه‌ها و دسته افقی (ردیف اول و دوم از بالا) به همراه سفال‌های جیلینگی (ردیف پایین) که در محوطه‌های مربوط دوره میانه اشکانی منطقه یافت شده‌اند



تصویر ۹: نمونه سفال‌های دوران متأخر اشکانی منطقه



تصویر ۱۰: نمونه ملات گچ و آهک در تپه قاباق



تصویر ۱۱: نمونه ملات؟ پراکنده در سطح محوطه‌هاچا



تصویر ۱۲: جانمایی پراکنش قلاع دوران اشکانی بر روی تصویر ماهواره‌ای محدوده بررسی



تصویر ۱۳: دیوار باقیمانده از معماری سنگی قلعه با ملات ساروج در سطح بالای تپه آق قلعه



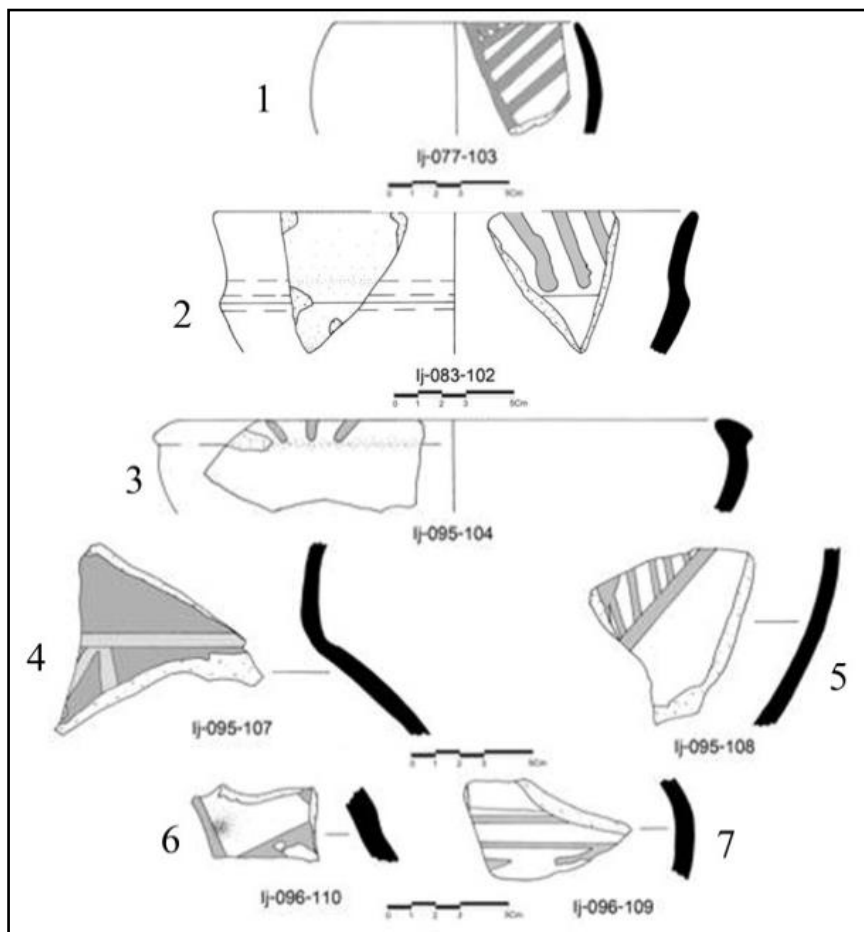
تصویر ۱۴: نمونه‌ای از آثار معماری صخره‌ای (تنور؟) در سطح بالای تپه آق قلعه



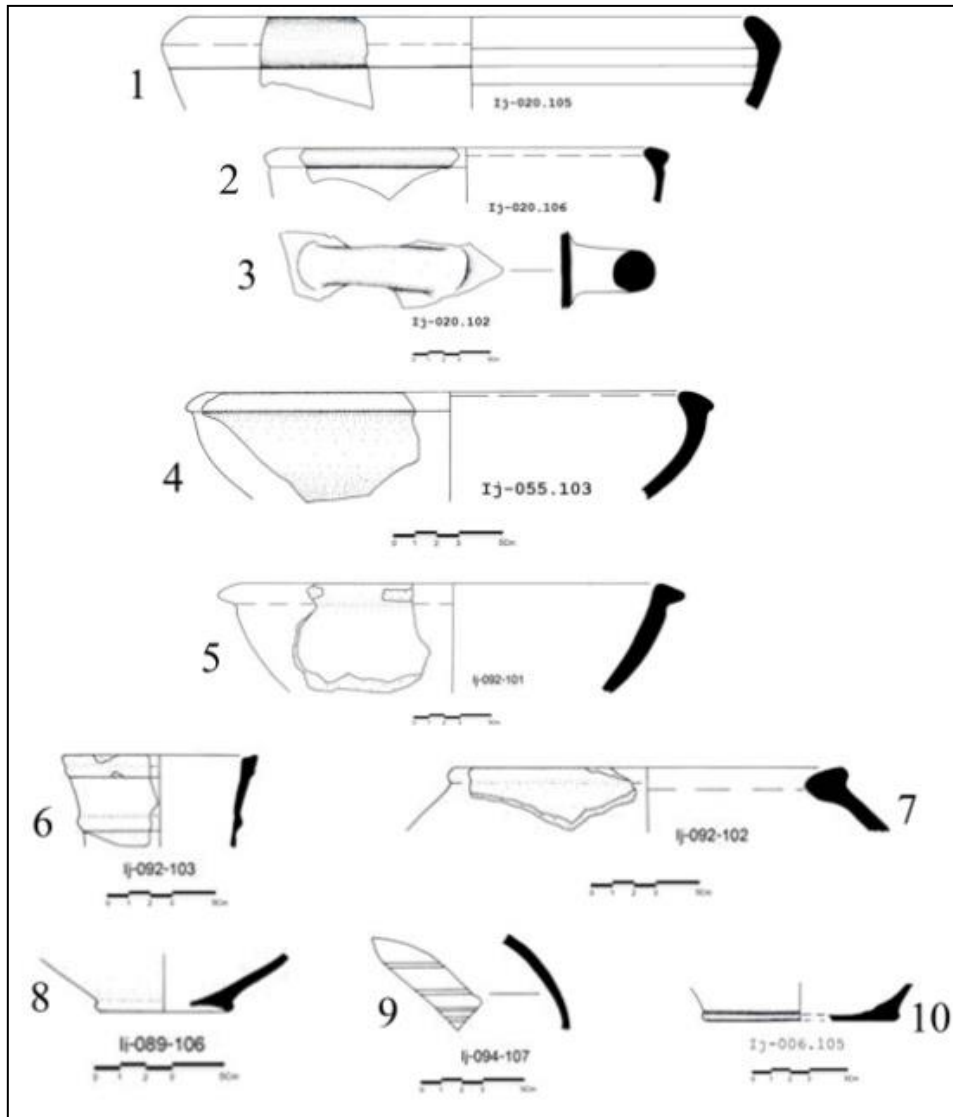
تصویر ۱۵: نمونه‌ای دیگر از آثار معماری صخره‌ای در سطح بالای تپه آق قلعه



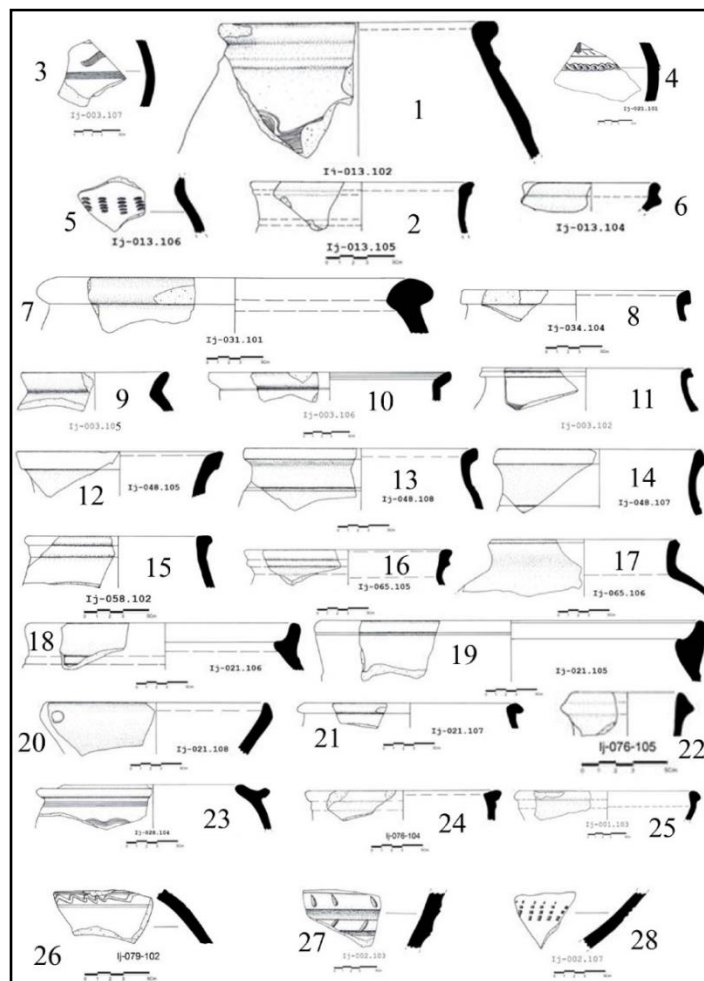
تصویر ۱۶: آثار معماری و دیوار آجری با ملات ساروج در بالای تپه اوج قیزیل



شکل ۱: طرح نمونه سفال‌های محوطه‌های دوران متقدم



شکل ۲: طرح نمونه سفال‌های محوطه‌های دوران متقدم (۶-۱) و میانی (۱۰-۱)



شکل ۳: طرح نمونه سفال‌های محوطه‌های دوران متأخر

جدول ۱: اطلاعات شکل ۱

شماره	کد بررسی	نام محوطه	رنگ خمیره	آمیزه	نوع پوشش درون	رنگ پوشش درون	نوع پوشش بیرون	رنگ پوشش بیرون	ساخت	پخت	نوع تزئین	ملاحظات و مقایسات
۱	۰۷۷	کومز	قهوه ای	مواد معدنی	گلی رقیق	نخودی	بیرون	خاکستری- نخودی	چرخ ساز	کافی	منقوش	هرینک، ۱۳۷۶، شکل ۲۰: ۱ (تزیین)
۲	۰۸۳	قنبرلک	قهوه ای	مواد معدنی	---	قهوه ای	---	قهوه ای	چرخ ساز	کافی	منقوش	هرینک، ۱۳۷۶، شکل ۱۴: ۷ و ۸ (تزیین)
۳	۰۹۵	سردار تپه گرنه ۲	قهوه ای	مواد معدنی	گلی رقیق	نخودی	گلی غلیظ	نخودی	چرخ ساز	کافی	منقوش	فیض خواه، ۱۳۸۳، شکل ۱۱: ۵ (تزیین)
۴	۰۹۵	سردار تپه گرنه ۲	نارنجی	مواد معدنی	گلی رقیق	قهوه ای	گلی غلیظ	سیاه	چرخ ساز	کافی	منقوش	
۵	۰۹۵	سردار تپه گرنه ۲	قهوه ای	مواد معدنی	---	قهوه ای	گلی رقیق	نخودی	چرخ ساز	کافی	منقوش	هرینک، ۱۳۷۶، شکل ۲۰: ۸ (تزیین)
۶	۰۹۶	سردار تپه گرنه ۳	قهوه ای - قرمز	نا مشخص	---	آجری	گلی رقیق	قهوه ای روشن	چرخ ساز	کافی	منقوش	فیض خواه، ۱۳۸۳، شکل ۹: d (تزیین)
۷	۰۹۶	سردار تپه گرنه ۳	خاکستری	نا مشخص	---	خاکستری	---	خاکستری	چرخ ساز	کافی	منقوش	

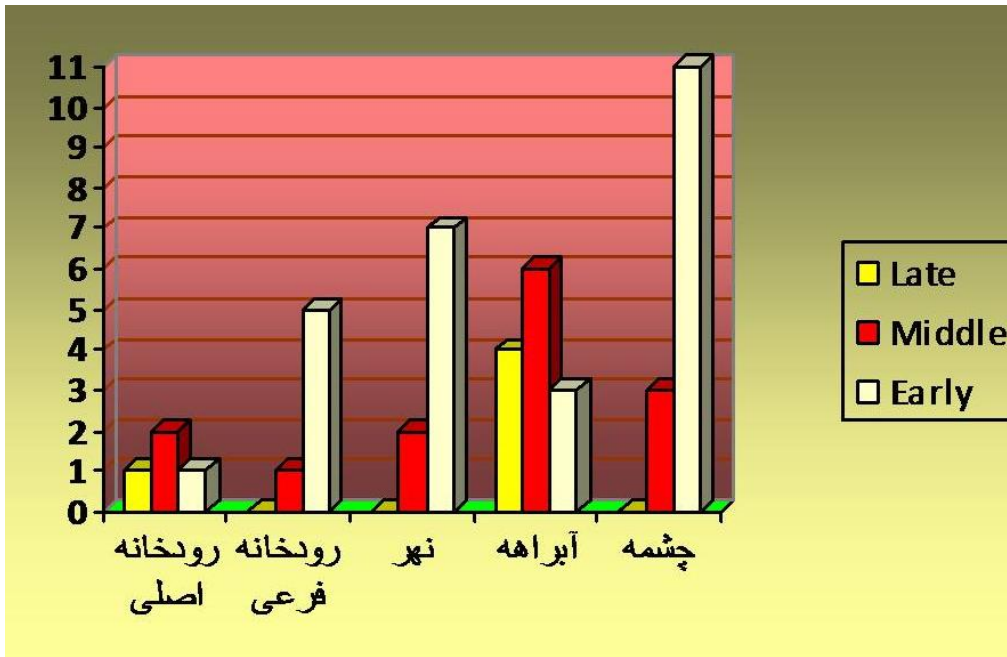
جدول ۲: اطلاعات شکل ۲

شماره ثبت	کد بررسی	نام محوطه	رنگ خمیره	آمیزه	نوع پوشش درون	رنگ پوشش درون	نوع پوشش بیرون	رنگ پوشش بیرون	ساخت	پخت	نوع تزیین	ملاحظات و مقایسات
۱	۰۲۰	تالپ یال ۱	قهوه ای	معدنی	گلی غلیظ	نخود ی	گلی رقیق	نخود ی	چرخ ساز	کافی	—	Keall,1967, Abb:5
۲	۰۲۰	تالپ یال ۱	قهوه ای	معدنی	گلی غلیظ	نخود ی	گلی غلیظ	نخود ی	چرخ ساز	کافی	—	Kleiss,1973,Abb:22:8 هرینک، ۱۳۷۶، شکل ۹:۱۵
۳	۰۲۰	تالپ یال ۱	نخودی مایل به خاکستری	معدنی	—	نخود ی	گلی رقیق	نخود ی	چرخ ساز	کافی	—	
۴	۰۵۵	آرایال	قهوه ای	معدنی	گلی رقیق	قهوه ای	گلی رقیق	قهوه ای	چرخ ساز	کافی	—	Kleiss, 1973, Abb:22:8 Keall, 1981, fig 18:14
۵	۰۹۲	اوزون آبا ۳	خاکستری	معدنی	گلی رقیق	قهوه ای	گلی رقیق	قهوه ای	دست ساز	ناک افی	—	Keall, 1981, fig 18:23
۶	۰۹۲	اوزون آبا ۳	نخودی	معدنی	گلی رقیق	نخود ی	گلی رقیق	نخود ی	چرخ ساز	کافی	—	Keall, 1981, fig 15:2
۷	۰۹۲	اوزون آبا ۳	قهوه ای	معدنی	—	قهوه ای	—	قهوه ای	چرخ ساز	کافی	—	Keall, 1981, fig 9:33
۸	۰۸۹	آراگل بویناق	خاکستری	معدنی	گلی غلیظ	قهوه ای	گلی غلیظ	قهوه ای	چرخ ساز	کافی	—	کیلیکی
۹	۰۹۴	سردار تپه ۱ گرنه	خاکستری	معدنی	گلی غلیظ	نارنج ی	گلی غلیظ	نارنج ی	چرخ ساز	کافی	داغ دار	کیلیکی
۱۰	۰۰۶	تاس تپه ۱	خاکستری	نا مشهود	گلی غلیظ	قهوه ای	گلی غلیظ	قهوه ای	چرخ ساز	کافی	—	کیلیکی

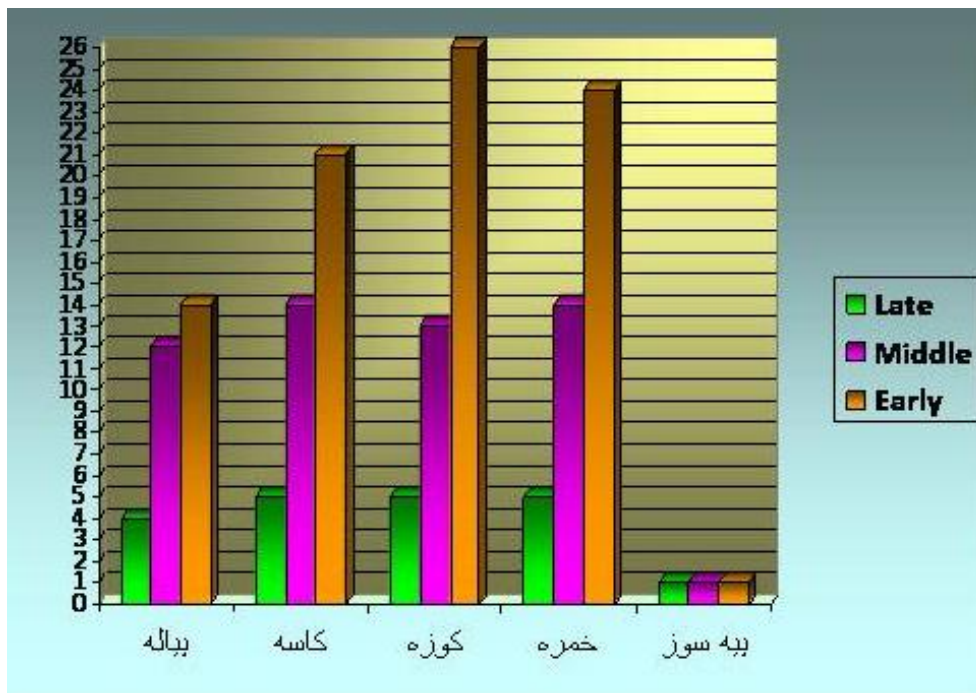
جدول ۳: اطلاعات شکل ۳

شماره ثبت	کد بررسی	نام محوطه	رنگ خمیره	آمیزه	نوع پوشش درون	رنگ پوشش درون	نوع پوشش بیرون	رنگ پوشش بیرون	ساخت	پخت	نوع تزیین	ملاحظات و مقایسات
۱	۰۱۳	آق قلعه	نخودی	معدنی	گلی رقیق	نخودی	گلی رقیق	نخودی	چرخ ساز	کافی	کنده	Keall,1981, Fig 11:20 (فرم) Keall,1981, Fig 14:26 (تزیین)
۲	۰۱۳	آق قلعه	آجری	معدنی	گلی رقیق	آجری	گلی رقیق	نخودی	چرخ ساز	کافی	—	مافی: ۱۳۸۵، کاتالوگ ۲۳، شکل ۴
۳	۰۰۳	نخوزر	قهوه ای	معدنی	گلی رقیق	آجری	گلی رقیق	آجری	چرخ ساز	کافی	کنده	Keall,1981, Fig 21: ۲۸
۴	۰۲۱	تالپ یال ۲	نخودی	شن و ماسه	—	سبز کدر	گلی رقیق	سبز کدر	چرخ ساز	کافی	کنده	
۵	۰۱۳	آق قلعه	قهوه ای	معدنی	—	آجری	گلی رقیق	آجری	چرخ ساز	کافی	کنده	حانمی، ۱۳۸۷، شکل ۱۱، طرح ۱
۶	۰۱۳	آق قلعه	نخودی	شن	گلی رقیق	کرم	گلی رقیق	کرم	چرخ ساز	کافی	—	محمدی فر، ۱۳۸۴، لوح ۲۰، شکل ۹
۷	۰۳۱	قار یاقدی	قرمز	معدنی	—	قرمز	گلی رقیق	قهوه ای	چرخ ساز	کافی	—	

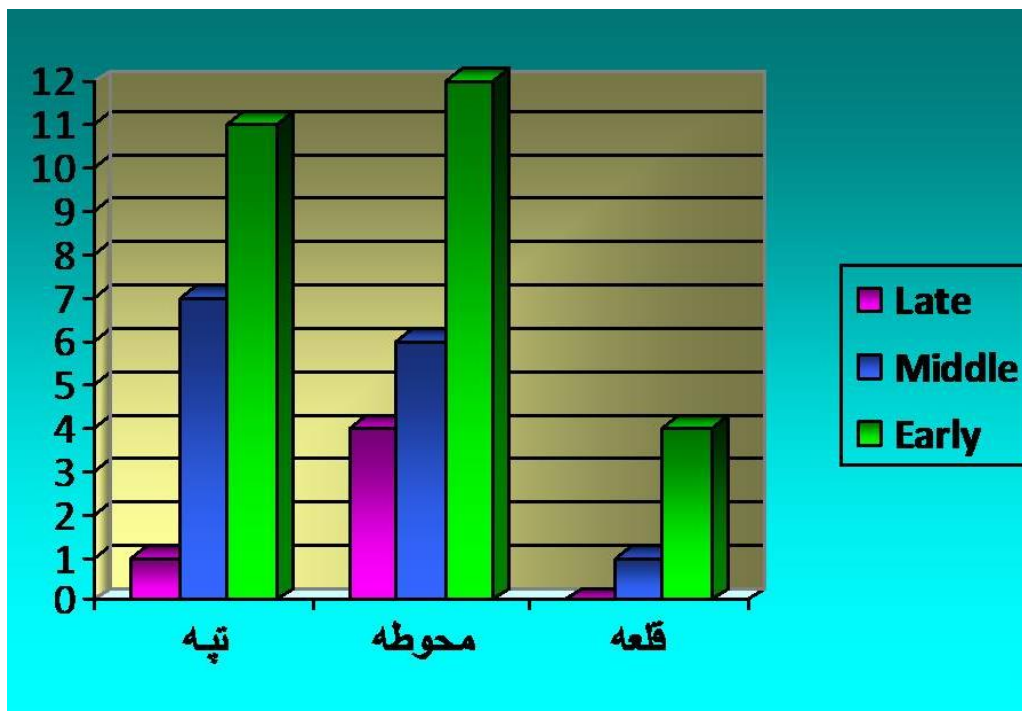
ردیف	کد بررسی	نام محوطه	رنگ خمیره	آمیزه	نوع پوشش دورن	رنگ پوشش درون	نوع پوشش بیرون	رنگ پوشش بیرون	ساخت	پخت	نوع تزیین	ملاحظات و مقایسات
۸	۰۳۴	چال تپه	خاکستری	شن و ماسه	گلی غلیظ	نخودی	گلی غلیظ	دود زده	چرخ ساز	کافی	—	
۹	۰۰۳	نخوزر	قهوه ای	معدنی	گلی غلیظ	قهوه ای	گلی غلیظ	قهوه ای	دست ساز	کافی	—	نجفی و دیگران، ۱۳۸۹، کاتالوگ ۶، شکل ۴
۱۰	۰۰۳	نخوزر	آجری	معدنی	گلی غلیظ	آجری	گلی رقیق	آجری	چرخ ساز	کافی	—	نجفی و دیگران، ۱۳۸۹، کاتالوگ ۶، شکل ۳ علیزاده، ۱۳۸۲، شکل ۵: ۱۰
۱۱	۰۰۳	نخوزر	کرم	شن	گلی رقیق	کرم	گلی غلیظ	کرم	چرخ ساز	کافی	—	
۱۲	۰۴۸	هاچا	قهوه ای	معدنی	گلی رقیق	نخودی	گلی رقیق	نخودی	دست ساز	کافی	—	مافی، ۱۳۸۵، کاتالوگ ۸، طرح ۸
۱۳	۰۴۸	هاچا	قهوه ای	معدنی	—	نخودی	گلی رقیق	نخودی	چرخ ساز	کافی	کنده	محمدی فر، ۱۳۸۴، لوح ۱۰: ۳۲
۱۴	۰۴۸	هاچا	قهوه ای	شن	—	قهوه ای	گلی رقیق	نخودی	چرخ ساز	کافی	—	مافی، ۱۳۸۵، کاتالوگ ۲۰، طرح ۲
۱۵	۰۵۸	چولرخی	قهوه ای	معدنی	—	نخودی	گلی رقیق	نخودی	چرخ ساز	کافی	—	کامبخش فرد، ۱۳۷۷، طرح ۲۳
۱۶	۰۶۵	محوطه چال تپه	آجری	معدنی	گلی رقیق	آجری	گلی رقیق	نخودی	چرخ ساز	کافی	—	استروناخ، ۱۳۷۹، شکل ۲۶: ۱۱۸
۱۷	۰۶۵	محوطه چال تپه	قهوه ای	معدنی	گلی رقیق	قهوه ای	نخودی	قهوه ای	چرخ ساز	کافی	—	حسینی، ۱۳۸۶، کاتالوگ ۶، شکل ۵۶
۱۸	۰۲۱	تالپ یال ۲	قهوه ای	معدنی	گلی رقیق	قهوه ای	گلی غلیظ	قهوه ای	چرخ ساز	کافی	—	
۱۹	۰۲۱	تالپ یال ۲	قهوه ای	معدنی	گلی غلیظ	قهوه ای	گلی غلیظ	قهوه ای	چرخ ساز	کافی	کنده	
۲۰	۰۲۱	تالپ یال ۲	نخودی	معدنی	گلی غلیظ	نخودی	گلی رقیق	نخودی	چرخ ساز	کافی	—	Kleiss, 1970, Abb:5
۲۱	۰۲۱	تالپ یال ۲	خاکستری	معدنی	گلی رقیق	خاکستری	گلی رقیق	خاکستری	چرخ ساز	کافی	—	Keall, 1981, fig 18:34 خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳، طرح ۴، ش ۲
۲۲	۰۷۶	گیلر تپه	قهوه ای	معدنی	—	نخودی	گلی رقیق	نخودی	چرخ ساز	کافی	افزوده	علیزاده، ۱۳۸۲، شکل ۵: ۱۱
۲۳	۰۲۸	تات باغی ۲	قهوه ای	معدنی	گلی رقیق	قهوه ای	گلی رقیق	نخودی	چرخ ساز	کافی	کنده	Keall, 1981, Fig 10: 5, 14
۲۴	۰۷۶	گیلر تپه	قهوه ای	معدنی	—	قهوه ای	—	قهوه ای	چرخ ساز	کافی	—	Kleiss, 1973, Abb:22:1
۲۵	۰۰۱	فزلر قلعه سی	قهوه ای	معدنی	گلی غلیظ	قهوه ای مایل به خاکستری	گلی رقیق	قهوه ای مایل به قرمز	چرخ ساز	کافی		Kleiss, 1973, Abb:22:8 هرینک، ۱۳۷۶، شکل ۱۵: ۹
۲۶	۰۷۹	سروان	نخودی	معدنی	گلی رقیق	نخودی	-----	نخودی	چرخ ساز	کافی	کنده	هرینک، ۱۳۷۶، شکل ۱۶، طرح ۱۹
۲۷	۰۰۲	قلعه احمد	قهوه ای، آجری	معدنی	گلی رقیق	قهوه ای	گلی غلیظ	کرم	چرخ ساز	کافی	کنده	
۲۸	۰۰۲	قلعه احمد	قهوه ای	شن و ماسه	—	صورتی	گلی غلیظ	قهوه ای	دست ساز	کافی	کنده	حانمی، ۱۳۸۷، شکل ۱۱، طرح ۱ (تزیین)



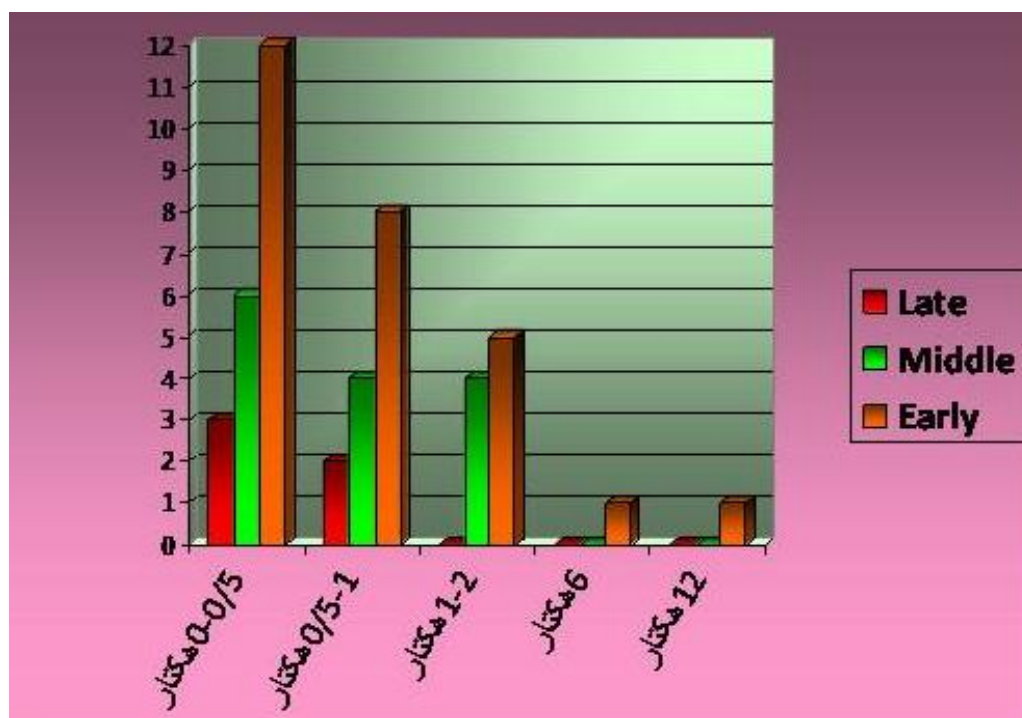
نمودار ۱: فراوانی محوطه‌های ادوار مختلف اشکانی در کنار منابع آبی محدوده بررسی



نمودار ۲: فراوانی انواع ظروف رایج در ادوار مختلف اشکانی



نمودار ۳: فراوانی انواع محوطه‌های اشکانی در ادوار مختلف این دوران در محدوده بررسی



نمودار ۴: فراوانی محوطه‌های ادوار مختلف اشکانی به نسبت وسعت آن‌ها



Archaeological Analysis and Investigation of Parthian Period Relic and Settlements in Qezel-Ozan Basin in the Area of Ijerud County

Reza Akhoundi¹, Araz Najafi², Farzad Mafi²

DOI: 10.30495/peb.2022.699727

Abstract

Located in Zanjan province, given its special geographical location, Ijerud County has characteristics that the quantitative and qualitative knowledge of its ancient sites in the Parthian period can help us in understanding more about the cultural developments of this period - in the west and relatively in the northwest of Iran. In the form of a field investigation, to clarify the situation, changes, and cultural developments of the region during the Parthian period, the present research was carried out. To this end, the survey of the geographical basin of Golabār Rural District and the northwestern part of the Ijerud River in Ijerud-e Payin Rural District was carried out during two exploration seasons. The results of these surveys led to the identification of 100 ancient sites (68 sites in Golabār Rural District and 32 sites in the northwestern part of the Ijerud River in Ijerud-e Payin Rural District), of which 35 sites have Parthian artifacts. The typology of the Parthian pottery of the region, general understanding, and perception of the settlement pattern of the examined range related to this period, were important results of this research. These results indicated the number of settlements in the mentioned period increased significantly compared to the previous period (Achaemenid), and even the settlements of the later period (Sassanid) were not as large as Parthian. This indicates the demographic changes with the transformation of the settlement distribution pattern, compared to the previous period. Additionally, it was found that most of the settlements in the region consisted of small villages and a few large villages, and no evidence of urban centers were identified. The material culture of the region in the Parthian period seems to have some native-local characteristics - which distinguish it relatively from other regions of the west and northwest of the country - as a result, is a part of the cultural scope of the west and northwest of the country.

Keywords: Parthian Period, Ijerud, Golabār, Parthian Pottery.

* **Citation:** Akhoundi, R., Najafi, A., & Mafi, F. (2022). Archaeological Analysis and Investigation of Parthian Period Relic and Settlements in Qezl-Ozan Basin in the Area of Ijerud County. *Payām-e Bāstānshenās*, 14(26), 51-79. (In Persian)

¹ Ph.D. in Archaeology, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran. Corresponding author: rezaakhoundi@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Archaeology, Islamic Azad University, Abhar Branch, Abhar, Iran.